

گزارش

شرایط نرمال نیست

شکاف میان آمریکا و اروپا، هرگز تا این حد آشکار نبوده است

در نتیجه، اروپایی‌های زیادی در تلاش‌اند تا آنچه را که باور دارند، نابهنجاری موقت سیاست آمریکا باشد تا پشت سر بگذارند. نه تنها در تأیید رسمی رئیس‌جمهور از بند دفاع متقابل ناتو، بلکه در تقویت کمک‌های آمریکا به منظور اطمینان بخشی و بازدارندگی در اروپای شرقی نیز به طور حتم، شواهدی مبنی بر عادی شدن سیاست خارجی آمریکا وجود دارد؛ همچنین، علائم و نشانه‌های زیادی دال بر این وجود دارد که سال گذشته، جانی تازه به جامعه مدنی آمریکا بخشیده و این مسئله، نادرستی ادعاهای منتقدان جبرگرا در اروپا را اثبات کرده است؛ اما ترامپ‌سیسم^۲ را باید به عنوان یک وقفه و ناسازگاری گسترده دانست.

نخستین رئیس‌جمهوری که نظم لیبرال را زیر سؤال برد

ترامپ، نخستین رئیس‌جمهور در دوره پس از جنگ بوده که نظم لیبرال را این‌گونه زیر سؤال برده است. دکترین او «آمریکا را اول

اگرچه خرد متعارف در واشنگتن و بسیاری از پایتخت‌های کشورهای اروپایی، سیاست خارجه آمریکا و روابط اروپا و آمریکا را از سالی که ترامپ به قدرت رسید، عادی می‌بیند، اما یک شکاف جدید در ائتلاف آمریکا و اروپا میان مدافعان و مخالفان یک نظم بین‌المللی لیبرال مبتنی بر جهانی‌سازی و جوامع باز، به وجود آمده است. سال اول دولت ترامپ، به طور منحصر به فردی نگران‌کننده بوده است. با این حال، جمعیت امنیت اروپا و آمریکا نیز یک نفس راحتی کشیده، زیرا به نظر می‌رسد که بسیاری از بدترین انتظارات آن‌ها محقق نشده است؛ جنگ‌های تجاری، حمله به کره شمالی و پایان ناتو^۱. خرد متعارف در واشنگتن دی سی و بسیاری از پایتخت‌های اروپای امروز می‌گوید: علی‌رغم آن‌که رئیس‌جمهور آمریکا همچنان توافق‌نامه‌ها را نقض می‌کند، اما روابط اروپا و آمریکا تا حد زیادی عادی شده است.

کنستانز شلتزن مولر^۱، کارشناس و صاحب‌نظر در زمینه سیاست و استراتژی خارجی مرکز ایالات متحده، اروپای اندیشکده بروکینگز و همکار ارشد رابرت بوش از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹، در این مطلب با عنوان «شرایط نرمال نیست^۲» - که در فوریه ۲۰۱۸ در تارنمای اندیشکده بروکینگز منتشر شده است - به این موضوع اشاره دارد که با حضور دونالد ترامپ در سکان داری کشتی ایالات متحده، شکاف میان اروپا و آمریکا روز به روز در حال آشکار شدن است؛ از یک طرف، آمریکا به دنبال جداسازی خود از نظم لیبرال بوده و در طرف مقابل نیز، اروپا نمی‌تواند خود را از این نظم جدا کند و به نوعی به جهانی‌سازی و حمایت از صلح وابسته شده است.

4. Trumpism

3. NATO

1. Constanze Stelzenmüller

2. Normal is over



می‌کنیم»، دلالت‌ها و پیامدهایی برای اروپا و دولت‌های عضو اتحادیه اروپا (به‌ویژه آلمان) داشته است که اروپایی‌ها باید بسیار به آن توجه کنند. اروپایی‌ها حتی باید بیشتر نگران نقد بنیادگرایانه از جهانی‌سازی^۱ (همان جهانی‌گرایی^۲) به‌عنوان یک ایدئولوژی نیمه خصمانه باشند. دوگانگی جهانی‌سازی - جهانی‌گرایی، برخلاف تمامی اختلاف‌نظرهای

پیشین آمریکا و اروپا، یک مشاجره درباره ماهیت جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، نیست، بلکه می‌تواند موجب اختلاف میان اروپا و آمریکا شود و آن‌ها را از هم جدا کند. آمریکا می‌تواند، تلاش کند - که بهای گزافی نیز برای آن خواهد داشت - تا خود را از نظم دنیای لیبرال و اقتصاد جهانی جدا سازد؛ اما این کار برای اروپا، به معنای خودکشی خواهد بود. این مسئله، منطق موجود در خصوص

ائتلاف اروپایی - آمریکایی را زیر سؤال خواهد برد. این اروپا است که علاقه بسیار زیادی به حفظ نظم بین‌المللی دارد؛ نظمی که از جهانی‌سازی و صلح حمایت می‌کند.

منبع

این مطلب در فوریه سال ۲۰۱۸ در تارنمای اندیشکده بروکینگز منتشر شده و در آدرس ذیل قابل دسترسی است:

<https://www.brookings.edu/research/normal-is-over/>

1. globalization
2. globalism